

نگاه از ژاپن آن هنگامی که تربسار آید

ژاپن و ایران سرنوشت مشترکی دارند، یعنی هر دو هدف تحریم ایالات متحده هستند. گناه ژاپن آن است که مقدار بیشتری از اتوموبیل‌ها و قطعات بدکی ساخت آمریکا نخریده است، با وجودی که بسیاری از ژاپنی‌ها تصور می‌کنند که به کفایت از مرکبات محصول فلوریدا و کالیفرنیا وارد کرده‌اند، هنوز طرف‌های آمریکایی مذاکرات تجاری از ژاپن می‌خواهند که مرکبات میشیگان را هم وارد کنند. راضی نگهداشتن آمریکایی‌ها دشوار است.

گناه ایرانیان آن است که ادعا می‌شود در تروریسم بین‌المللی و برنامه‌ای سری جهت ساخت بمب اتمی دست دارند. تشکیلات کلیتون مدعی است که برای اثبات اتهاماتش وارده، مدارکی هم در اختیار دارد و مصمم است که ایران را از لحاظ اقتصادی در محاصره قرار دهد. در این امر همکاری متحدانش را نیز خواستار است. این مسئله ژاپن را در موقعیت دشواری قرار می‌دهد. تکیه نمی‌خواهد روابط خود را با واشنگتن که هم اینکه نیز به اندازه کافی دچار مسئله است، بیش از این مخدوش کند. حفظ روابط حسنه با ایالات متحده وکن اصلی دیپلماسی ژاپن در نیم قرن گذشته، از جنگ جهانی دوم به بعد بوده است.

ولی این بار ژاپن تمایل چندانی به اجرای خواسته‌های آمریکا ندارد. یکی از دلایل این عدم تمایل آن است که این نخستین باری نیست که آمریکا خواهان جلب همکاری ژاپن در تحت فشار قرار دادن یکی از حریفانش گردیده است. این درخواست به تجربه تحت فشار قرار دادن چین در ادوار قبلی بی‌شبهت نیست. بسیاری از ژاپنی‌ها هنوز تعجب و شگفتی حاصل از سفر سال ۱۹۷۱ هنری کسینجر را به پکن به خاطر دارند که وی حتی متحدان آسیایی‌اش را نیز از این امر مطلع نساخت. و از

آن مهم تر آن که ژاپنی‌ها به هیچ وجه میل ندارند ایران را چنان آزوده سازند، که تا مدتها از خاطر ایرانیان نرود. ایران یکی از منابع مهم تامین نفت ژاپن است و ده درصد از مصرف نفتی ژاپن را تامین می‌کند. انتظار می‌رود که وابستگی چشمگیر ژاپن به نفت خلیج فارس، که حدود هشتاد درصد از کل مصرفش را تشکیل می‌دهد تا قرن بعد ادامه داشته باشد. علاوه بر این احتمال دارد که دامنه این وابستگی نیز افزایش یابد زیرا با توسعه سریع صنایع چین و اندونزی این دو کشور نیز به تدریج از صادرکننده نفت به واردکننده آن تبدیل خواهند شد. حال آن که در حال حاضر این دو کشور از منابع مهم غیر خاورمیانه‌ای تامین نفت ژاپن هستند. چین در سال ۱۹۹۴ به یکی از واردکنندگان نفت تبدیل شد و چنین برآورد می‌شود که اندونزی هم به زودی در همین راه گام نهد. از این رو نفت خام خلیج فارس برای رونق اقتصادی ژاپن اهمیتی اساسی خواهد یافت. اهمیت دراز مدت خلیج فارس و در نتیجه اهمیت ایران، برای حفظ آسایش و رفاه آتی مردم مجمع‌الجزایر ژاپن، از دید سیاست‌گزاران ژاپنی پوشیده نیست.

ژاپن از یک رشته منافع دراز مدت اقتصادی در ایران برخوردار است که مایل نیست آنها را به خطر اندازد. ولی مسئله به مراتب از این گسترده تر است. از نقطه نظر ژاپنی‌ها اهمیت ایران فقط در موقعیتش به عنوان یکی از منابع تامین نفت مورد نیاز کشور خلاصه نمی‌شود، بلکه موقعیتش همچون یک قدرت منطقه‌ای در خلیج فارس نیز حائز اهمیت است. بدون وجود یک ایران با ثبات، امیدی به ثبات خلیج فارس نمی‌توان داشت. و راه دستیابی به ثبات منطقه‌ای نه از طریق حذف ایران بلکه از راه درگیر ساختنش در جامعه بین‌المللی می‌گذرد، تا از این طریق تهران نیز به یکی از شرکای ذینفع این جامعه بدل شود. به علاوه بسیاری از ژاپنی‌ها سیاست کشور متبوع خود را در این زمینه، محکی بر میزان استقلال سیاست خارجی ژاپن تلقی می‌کنند؛ یعنی مستقل از سیاست آمریکا در خاورمیانه. البته این امر بدان معنا نیست که ژاپن خواهان درگیری با ایالات متحده است. بلکه برعکس ژاپن نیز همانند آمریکایی‌ها خواهان ثبات خاورمیانه است، فقط در روش دستیابی به این مهم دیدگاهی متفاوت دارد. از نظر ژاپنی‌ها نقش آنها در خاورمیانه ارائه خط مشی‌ای است در تکمیل سیاست آمریکایی‌ها، هر چند که این خط مشی مطابق با ویژگی‌های خاص ژاپنی‌هاست. در حال حاضر ژاپن از روابط اقتصادی خود با ایران سودی نمی‌برد زیرا ایران نمی‌تواند بهای واردات خود را به موقع بپردازد. اشباع بازار نفت در حال حاضر به معنای آن است که نفت خام ایران برای ژاپنی‌ها ارزشی حیاتی ندارد. از این رو می‌توان گفت که در روابط ایران و ژاپن به همان اندازه ملاحظات دراز مدت اقتصادی نهفته است که محاسبات سیاسی.

برای ژاپن جز برنامه‌های پیش گرفته توسط دولت فعلی ایران اکثر ناتیو دیگری به ذهن نمی‌آید و در نتیجه منزوی ساختن ایران فقط به تقویت مخالفان این دولت کمک خواهد کرد. حتی این احتمال می‌رود که اتخاذ چنین سیاستی نه فقط به پیدایش یک ایران معتدل منجر نشود که حتی نمونه‌ای را دیکال تر از پیش نیز به دنبال آورد. ژاپنی‌ها بر این نظرند که توسعه روابط اقتصادی با ایران می‌تواند آثار مثبتی به بار آورد. در گذشته ایالات متحده بارها در سیاست خود در خلیج فارس دچار اشتباه شده

است. این بار بسیاری از ژاپنی‌ها بر این باورند که ژاپن باید راه خود را طی کند. آنها بین روابط سه گانه موجود بین ایالات متحده و ژاپن و ایران، و یکی از افسانه‌های ازوب مشابهتی می‌بینند؛ در این حکایت آمده است که باد و خورشید با یکدیگر به رقابت برخاستند که یکی زودتر از دیگری ردای رهگذری را از تنش درآورد. نخست باد با شدت فراوان شروع به وزیدن کرد، ولی رهگذر فقط آن را محکم‌تر به دور خود پیچید. آن‌گاه خورشید شروع به تابیدن کرد. هوا به

اندازه‌ای گرم شد که رهگذر ردایش را از دوش برداشت. رادیکالیسم، ردایی است بر دوش ایران و بحث اصلی این است که موثرترین راه برای آن که ایران این ردا را از دوش بردارد، کدام است؟. ژاپن راه و روش خود را به عملکرد خورشید تالان تشبیه می‌کند و خط مشی سرسختانه ایالات متحده را نیز به باد. ژاپنی‌ها این تمثیل را دوست دارند، چرا که در آن خورشید است که پیروز می‌شود. از دید ژاپنی‌ها کاهش آشکار تعداد نمایندگان محافظه‌کار در انتخابات اخیر مجلس نشانی است حاکی از لزوم اتخاذ سیاست‌هایی که با سیاست‌های رادیکال آغاز انقلاب تفاوت دارد.

احتمالاً واقعیت بین‌المللی به مراتب پیچیده‌تر از این افسانه است و ضرورتاً پایان خوشی هم بدنبال ندارد. گفته می‌شود «استاد و مدارکی» که در اختیار آمریکایی‌ها قرار دارد بیانگر آن است که ایران محرمانه در صدد به دست آوردن بمب‌های اتمی است. اگر این موضوع درست باشد باید اذعان کنیم که خط مشی ژاپن کارکردی نداشته است و سیاستمداران این کشور احساس سرانگیزی خواهند کرد. ژاپن در مقام تنها کشوری که قربانی بمب اتم بوده است نسبت به این موضوع حساسیت دارد. در عین حال باید اذعان داشت که هر چند این اتهامات باعث نگرانی ژاپنی‌ها است، مع‌هذا ژاپنی‌ها در مورد «استاد و مدارک» آمریکا نیز چندان احساس اطمینان خاطر نمی‌کنند. زیرا جزئی چند از مقامات عالی رتبه ژاپنی، کس دیگری موفق به رویت آنها نشده است. علاوه بر این ژاپن برای تعیین صحت و سقم این مدارک به مجاری مستقلی دسترسی ندارد. لابد CIA بهتر از ژاپن می‌داند. می‌دانیم که اطلاعات CIA آنقدر با ارزش است که کشوری مثل روسیه که در آستانه ورشکستگی مالی قرار دارد، حاضر بوده برای داشتن عنصری نفوذی در این سازمان (یعنی آقای آمس که اخیراً دستگیر شد) مبلغ گزافی هزینه کند. پس بدون شک اطلاعات به دست آمده در مورد استفاده تسلیحاتی ایران از انرژی اتمی نیز بسیار

ارزشمند است. ولی اگر اطلاعات CIA درست می‌بود، هنوز در مسکو با کمونیست‌ها و در تهران با پهلوی‌ها سروکار می‌داشتیم. مگر همین سازمان نبود که حتی در آستانه سقوط نهایی شاه به ما می‌گفت علی‌رغم شلوغی‌ها ایران در وضعیتی ما قبل انقلابی قرار ندارد؟ مگر هنگامی که تانک‌های عراقی صدام رو به خوزستان نهادند این CIA نبود که به ما می‌گفت، عراق سازمان دفاعی ایران را اگر نگوییم در عرض چند روز که در چند هفته در هم خواهد شکست؟ این موارد را نمی‌توان به سادگی

**اهمیت دراز مدت
خلیج فارس،
برای حفظ
آسایش و رفاه
آتی مردم ژاپن،
از دید
سیاست‌گذاران
ژاپنی پوشیده
نبوده... و
بدون وجود
یک ایران با
ثبات امیدی به
ثبات خلیج
فارس نیست.**

فراموش کرد.

سابقه اطلاعات و تحلیل های آمریکایی ها از تحولات خاورمیانه چندان اطمینان بخش نیست، البته این به معنای آن نیست که CIA را مقصر بدانیم، بلکه تأکیدی است بر دشواری های درک و فهم صحیح تحولات خاورمیانه. CIA در مواردی برداشت صحیح کرده است و در مواردی نیز برداشت غلط. مشکل آن است که فقط هنگامی می توان از صحت یا سقم امر آگاه شد که دیگر دیر شده است.

مهم ترین مسئله ای که در حال حاضر ژاپن در این زمینه با آن روبرو است موضوع وام است. ژاپن در ۱۹۹۳ پذیرفت که برای احداث سد کارون ۴ در خوزستان مبلغی معادل ۱٫۴ میلیارد دلار، در چهار قسط به ایران وام دهد. از سقوط شاه تاکنون این نخستین وامی است که ژاپن به ایران اعطا کرده است. نخستین قسط این وام که مبلغی معادل نیم میلیارد بود سه سال پیش پرداخت شد. ولی از آن زمان به بعد اقساط دیگرش پرداخت نشده است. به عبارت دیگر سه سال است که این طرح متوقف مانده است. اگر فاز دوم این طرح آغاز نشود احتمال آن دارد که با توجه به وضعیت اقلیمی خوزستان تأسیسات احداث این سد به یک رشته آثار باستانی تبدیل شود. ایران، ژاپن را در این مورد تحت فشار قرار داده است. ولی نظر به مخالفت شدید ایالات متحده ژاپن هنوز اقدامی نکرده است. ظاهراً واشنگتن خواستار لغو کامل این توافق شده است ولی توکیو آن را نپذیرفته و عجبالتاً فقط به توقف طرح اکتفا کرده است. شایع بود که توکیو قصد داشت پس از انعقاد قرار داد شرکت کوئکو با ایران، قسط دوم وام را بپردازد و منطبق این تصمیم نیز بر آن قرار داشت که اگر برای یک شرکت آمریکایی سرمایه گذاری در ایران بلامانع است برای ژاپن هم اشکالی ندارد که در احداث این سد با ایران مشارکت کند. گفته می شود ژاپن که با دقت جزئیات مذاکرات جاری را دنبال می کرد، از صدور حکم اجرایی کلینتون مبنی بر ممنوعیت معامله اقتصادی با ایران در آخرین مرحله مذاکرات، جا خورد و روالی که در پیش گرفته بود، مختل شد.

اقدام بعدی دیوانسالاران توکیو دقیقاً قابل پیش بینی نیست. گفته می شود که در این مورد، میان وزارتخانه های امور خارجه و صنعت و تجارت ژاپن اتفاق نظر وجود ندارد. احتمالاً مسئولین روابط خاورمیانه و امور انرژی اصراری بر عمل به خواسته های آمریکا ندارند، «حال آن که شاید دوایری که با ایالات متحده طرف

هستند خواهان همراهی با این امر باشند. با توجه به ضعف داخلی پایه های قدرت دولت ائتلافی موجود در ژاپن که در پی دو فاجعه زلزله کوبه و حملات شیمیایی در راه آهن توکیو نیز شکننده تر از پیش شد، انتظار نمی رود رهبری قاطعانه ای از سوی سیاستمدارهای حاکم به منصه ظهور آید. چند سالی است که سیاست داخلی ژاپن عرصه جابجایی های پی در پی و رفت و آمد نخست وزیران رقیب بوده است، لهذا بسیاری از ناظران انتظار ندارند که ژاپن لااقل تا پیش از انتخابات ریاست

به دلیل
فشارهای
آمریکا، ژاپن از
پرداخت مابقی
اعتبار سد
کارون به
ایران خودداری
کرده است،
ولی این
موضوع در
سطحی نیست
که بتواند بر
روابط ایران و
ژاپن خللی
وارد آورد.

جمهوری آمریکا در نوامبر سال جاری برای پرداخت قسط دوم وام مورد بحث اقدام کند. برای بسیاری از ژاپنی‌هایی که در ایران زندگی کرده‌اند، ایران به عنوان کشور فردا معروف است. ولی این ضرورتاً به معنای آن نیست که تصور می‌کنند ایران فردای خارق‌العاده‌ای در پیش دارد. بلکه بیشتر بیانگر این برداشت است که در ایران هیچ چیزی به وقت خود رخ نمی‌دهد. در واقع گاهی اوقات نیز بازتاب تجارب یأس‌آوری است از وعده وعیدهای «فردای ایرانی‌ها» به جای اقداماتی به موقع. اگر چه از نقطه نظر اجابت خواسته‌های روز، ایران به کشور «فردا» تبدیل شده است، اما باید اذعان داشت آنجا که صحبت بر سر وعده پرداخت اقساط باقیمانده اعتبار مورد بحث است، ژاپن نیز به کشور فردا تبدیل شده است. سال گذشته ژاپن به دلیل برگزاری اجلاس سران هفت کشور صنعتی بزرگ جهان در هالیفاکس، خود را از پرداخت قسط دوم معذور داشت و امسال نیز نمی‌تواند به وعده خود عمل کند، چرا که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در پیش است. سال بعد چه بهانه‌ای خواهد بود؟ انتخابات ریاست جمهوری ایران؟

ژاپنی‌ها مایل نیستند بر سر ایران با واشنگتن درگیر شوند. با آن که در سال گذشته آقای گئی هیکوسایتو، یکی از سفرای سابق ژاپن در تهران را به سفارت آمریکا منسوب شد، ولی هیچ کس این اقدام را به مثابه نشانی از آغاز یک سیاست جدید در قبال ایران تعبیر نکرد. به دلیل فشارهای آمریکا ژاپن از پرداخت مابقی اعتبار سه کارون به ایران خودداری کرده است. این تقریباً تنها دستاوردی است که وارن کریستوفر می‌تواند از آن به عنوان نتیجه تلاش‌هایش در انزوای اقتصادی ایران یاد کند. ولی این موضوع در سطحی نیست که بتواند بر روابط ایران و ژاپن خللی وارد آورد. آنچه هم برای ژاپن و هم برای ایران اهمیتی حیاتی دارد، تداوم صدور نفت به ژاپن است و این امر نیز دچار کوچکترین اختلالی نشده است. و همان‌گونه که یکی از سیاست‌گزاران ژاپنی خاطر نشان ساخته است، چنانچه این رشته حیاتی به خطر افتد، ژاپن ساکت نخواهد نشست.

با این حال و به رغم طرح و بحث شکل‌های مختلفی که روابط آتی ایران و ژاپن می‌تواند به خود گیرد، در دشواری واقعیت موجود و موقعیت خاص ژاپن در این عرصه جای تردید نیست و تا زمانی هم که در معادلات گسترده ژاپن وضعیت تغییری ایجاد نشده، به نظر می‌آید که در روال کنونی روابط ایران و ژاپن نیز تغییری حاصل گردد.

کشتکوی ۱۰۷

این مقاله نخست تحت همین عنوان در ۱۹۹۵ در Middle East insight منتشر شده، اینک با در نظر گرفتن تحولات اخیر برای چاپ در گفتگو توسط نویسنده مورد تجدید نظر قرار گرفته است. کازوتو تاکاهاشی استاد دانشگاه Hoso Daigaku (دانشگاه آزاد) ژاپن، مرتب به خاورمیانه، از جمله ایران سفر می‌کند. او برای رادیو و تلویزیون توکیو نیز برنامه‌های آموزشی در مورد سیاست‌های بین‌المللی و سیاست‌های خاورمیانه تهیه می‌کند. کتاب دریایی بر آتش به تاریخ معاصر خلیج فارس از جمله آخرین آثار او است که در ماه اکتبر گذشته از سوی انتشارات دانشگاه توکیو منتشر شد؟